

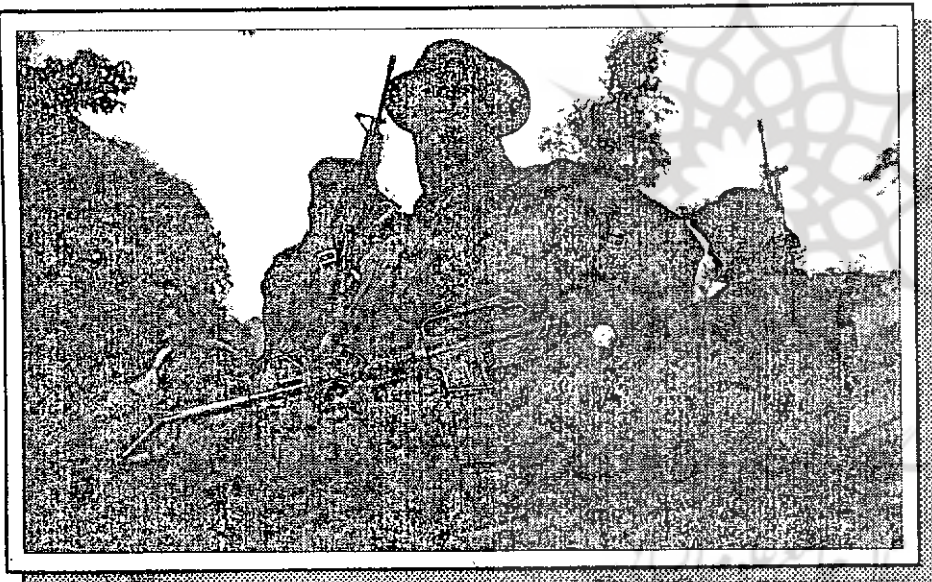
جنگ کثیف و بی صدا در کلمبیا

امروز دو ماه از زمانی که جوخه‌های مرگ، حوزه کابرال و افراد فامیل او را به زور از خانه‌اش در شمال کلمبیا راندند می‌گذرد ولی این دهقان خرده پا هنوز شهادت آن را ندارد که درباره بازگشت به خانه‌اش فکر کند. او حتی از گفتن نام حقیقی خود به روزنامه‌نگاران وحشت دارد، اما عامل این بی‌خانمانی کیست؟ روز بیست و نهم ماه مه کابرال به وسیله یک اتوبوس محلی از شهرکی در نزدیکی محل سکونتش به خانه باز می‌گشت که حدود چهارصد مرد مسلح عضو یک گروه شبه نظامی دست راستی که لباس نظامی به تن داشتند و صورت‌های خود را با ماسک پوشانده بودند راه را بر این اتوبوس بستند و مسافران آن را با خشونت پیاده کردند. کابرال ۵۰ ساله یکی از این مردان را دید که به سوی نوجوانی از مسافران اتوبوس که از وحشت به خود می‌لرزید رفت و چهار گلوله در مغز او شلیک کرد. شبه نظامیان چهار مسافر دیگر اتوبوس را متهم کردند که با چریک‌های کمونیست، همکاری دارند و آنها را در جا کشتند. در اواخر آن روز کابرال به خانه خود رسید و شبه نظامیان دست راستی به روستاهای منطقه ریختند و با شلیک‌های کور به روستاییان، بسیاری از آنها را به خاک و خون کشیدند. کابرال در یک لحظه تصمیم خود را گرفت. او دست همسر و دخترانش را گرفت و خانه و کاشانه خود را که نتیجه یک عمر تلاش‌های مستمرش بود ترک کرد و همراه دو هزار آواره دیگر آن منطقه، یک راه‌پیمایی دو روزه به سوی جایی را که نمی‌دانست کجاست، آغاز کرد.

به این ترتیب این خانواده به جرگه قربانیانی پیوستند که بی‌هیچ گناهی قربانی یکی از ضدانسانی‌ترین بحران‌ها در آمریکای لاتین شده بودند. امروز آنها بی‌هیچ نام و نشانی از جمله میلیون‌ها آواره کلمبیایی هستند که قربانی سال‌ها

جنگ‌های داخلی در این کشورند. اوج گرفتن خشونت در روستاهای کلمبیا موجب شده است که بیش از هفتصد هزار کلمبیایی در سه سال گذشته خانه‌های خود را رها کنند. از سال ۱۹۸۵ که درگیری‌های داخلی در کلمبیا آغاز شد یک میلیون و نیم کلمبیایی آواره شده‌اند؛ یعنی رقمی بسیار بیشتر از آوارگان آلبانیایی تبار کوزوو و سومین تعداد آواره پس از سودان و آنگولا.

بینوایی « شهرت یافته است ساکن می‌شوند و بر شدت رکود اقتصادی این شهرها که در نیم قرن گذشته بی‌سابقه است، می‌افزایند. به دلیل آن‌که این آوارگان در داخل مرزهای کلمبیا سرگردانند دولت آنها را آواره تلقی نمی‌کند. مقامات کلمبیا می‌گویند اینان بی‌خانمان‌های داخلی هستند که موجب شده‌اند چهره کلمبیا نزد جهانیان مخدوش جلوه‌گر شود. هیرام رامیرز یک تحلیلگر ارشد در کمیته آوارگان آمریکایی می‌گوید: «هیچ چیز در



گروهی از اعضای جوخه‌های مرگ. برخی از آنها صورت‌های خود را پوشانده‌اند تا شناخته نشوند

این کشاورزان روستانشین که یک میلیون آنها را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند تلاش می‌کنند از جنگی وحشیانه که میان چریک‌های مارکسیست و شبه نظامیان دست راستی و ارتش کلمبیا در جریان است و اکثراً بر سر اختلافات ارضی، ایدئولوژیک و تجارت قاچاق مواد مخدر است، برکنار بمانند.

این موج سرگردان پس از راه‌پیمایی طولانی در حومه شهرهای بزرگ که به «کمربند

این نیمکره به پای رنجی که این آوارگان در محدوده ضوابط انسانی با آن دست به گریبانند نمی‌رسد.» ژنرال باری مک کافری، مدیر سیاست‌گذاری کنترل مواد مخدر در کاخ سفید آمریکا نیز می‌گوید: «چیزی که در کلمبیا اتفاق افتاده است یک وضعیت کاملاً اضطراری است.»

راه‌پیمایی آوارگان کلمبیایی آرام و تقریباً نامرئی است. گروه‌های کوچک خانه‌های خود را

در حالی که توجه جهانیان به جنگ‌های کوزوو و افغانستان معطوف است یکی از خشونت‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین جنگ‌های مدرن در کلمبیا جریان دارد.

در عمق روستاها و دور از چشم دوربین‌های تلویزیونی در نیمه‌های شب رها می‌کنند و به سوی محل‌های ناشناخته روانه می‌شوند. برای این آوارگان هیچ اردوگاهی وجود ندارد، بنابراین به شهرهای بزرگ روی می‌آورند، مخفیانه و بدون آن‌که کسی متوجه ورودشان به شهرها شود در جمعیت اطراف شهرها حل می‌شوند. کابرال، همسر و دخترانش از همین آوارگانند، آنها شب‌ها را بر قطعه‌ای پلاستیک در یک استادیوم کنار یک شهر همراه با ۳۲۵ آواره دیگر به روز می‌آورند. تازه این خانواده خوشحاند از این‌که در این استادیوم پذیرفته شده‌اند. با آن‌که شرایط زندگی در این اردوگاه بسیار طاقت‌فرسا است کابرال می‌گوید: «ما هرگز به خانه باز نخواهیم گشت، شبه نظامیان هر زمان که اراده کنند ما را از خانه‌هایمان بیرون می‌کنند و قتل عام می‌کنند.» حرف‌های او درست است: یک هفته پس از ورود آوارگان به این استادیوم یک گروه هفت نفره از کشاورزان اردوگاه را ترک کردند و به خانه‌هایشان بازگشتند، دسته‌ای شبه نظامی در یک قرارگاه راه را بر اتوبوس آنها بستند و قبل از آن‌که به کاشانه خود برسند قتل عامشان کردند. اوضاع روز به روز رو به وخامت است. پرزیدنت امارس پاستارنا رییس جمهوری کلمبیا بارها تلاش کرده است با گروه نیرومند ارتش انقلابی کلمبیا (فارک) که سیزده هزار رزمنده در اختیار دارد وارد مذاکره شود ولی خشونت آن چنان پیشرفته است که تلاش‌های او به هیچ جا نرسیده است. ارتش دست چپی فارک و گروه کوچکتر ارتش ملی آزادیبخش (ای - ال - ان)، هر دو از طریق قاچاق مواد مخدر تأمین مالی می‌شوند و حدود چهل درصد از خاک کشور و از جمله منطقه تولید کوکائین را که ماه گذشته یک هواپیمای آمریکایی در آن سرنگون شد در کنترل خود دارند، در این حادثه پنج نظامی آمریکایی و دو کلمبیایی کشته شدند. در چند هفته گذشته فارک چند پل را منفجر کرده، ده‌ها شهر را گلوله‌باران کرده و واحدهای ارتش را در ۲۵ مایلی جنوب بوگوتا پایتخت زیر آتش گرفته است. در یکی از این عملیات چریک‌های فارک یک اتومبیل حامل ۱۰۰ کیلو

انها عامل بسیاری از قتل عامها، شورش‌ها و آوارگی‌ها در سه سال گذشته بوده‌اند. به دلیل عملیات این گروه تعداد آوارگان کلمبیایی از نودهزار در سال ۱۹۹۵ به سیصد و هشت هزار نفر در سال گذشته افزایش یافت و بیم آن می‌رود که این تعداد در سال جاری باز هم زیادتر شود. معمولاً روستاییان کلمبیایی در تبادل آتش میان گروه‌های متخاصم گرفتار نمی‌آیند بلکه مستقیماً هدف این جنگ کثیف هستند. چریک‌های متخاصم به جای درگیر شدن در جنگ‌های مستقیم مردم را از خانه‌های خود می‌رانند، راه‌های ارسال آذوقه و تجهیزات را به سنگ‌های رقیب می‌بندند و زمین‌های روستاییان را مصادره می‌کنند.

مردان مسلح به منظور تأمین هزینه‌های نظامی گروه‌های خود مزارع، معادن طلا و کشتزارهای تریاک را اشغال می‌کنند و نفوذ خود را در این مناطق گسترش می‌دهند. در دسامبر سال

مواد منفجره را در بیرون یک پایگاه نظامی در شهر مدلین منفجر کردند که بر اثر آن دست کم ده نفر کشته و ۴۰ سرباز و غیرنظامی مجروح شدند. گروه ارتش آزادیبخش ملی نیز در یکی از گسترده‌ترین عملیات گروگان‌گیری عبادت‌کنندگان در یک کلیسا را به گروگان گرفت.

وحشی‌گری به نام دفاع از محرومان

اما شاید تهدیدآمیزترین نیرو در درگیری‌های کلمبیا شبه نظامیان دست راستی باشند که به وسیله ملاکان ثروتمند که از ایجاد وحشت برای گسترش اقتدار خود استفاده می‌کنند، تأمین مالی می‌شوند. به گفته اکثر کارشناسان مسایل کلمبیا



شرکت پاکری

با مسئولیت محدود

نهیه و تولید فیلتر

و گردگیر صنعتی و وکیوم مرکزی

آدرس کارخانه :

حاده ساوه - قلعه میر - خیابان پاکری انتهای خیابان
تلفن : ۲۹۰۸۰ - ۲۲۴۴
آدرس دفتر : خیابان کاندی ۵ - شماره ۲۳
تلفن : ۸۸۷۰۶۶۴ - ۸۷۸۰۲۰۹

۱۹۹۵ دولت کلمبیا اعلام کرد در نظر دارد در منطقه «اورابا» کانالی به منظور اتصال اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام احداث کند، گرچه این کانال هرگز ساخته نشد ولی ارزش زمین‌های منطقه تا هزار درصد افزایش یافت که توجه شبه نظامیان دست راستی را به شدت جلب کرد. آنها به زودی کنترل منطقه را در دست گرفتند، اهالی منطقه را گروه گروه بیرون راندند، بسیاری از مردم را به رودخانه‌ها و دریا ریختند و خانه‌ها را با بولدوزر ویران کردند، به طوری که ظرف دو سال نود هزار نفر از ساکنان این منطقه آواره شدند. هر گروه بخشی از دشمنان خود را در میان روستاییان می‌بیند و خانه‌های آنها را به این بهانه که سنگری است برای استفاده گروه دیگر مصادره می‌کند. ماه گذشته گروه فارک در یک حمله منطقه‌ای در جنوب «کوردوبا» که در کنترل شبه نظامیان دست راستی بود و یک کارخانه برق و معدن نیکل در آن قرار داشت اشغال کرد، وارد شهر خوان خوزه شد، چهار نفر از ساکنان شهر را به اتهام همکاری با شبه نظامیان سر برید و ۳۵ نفر از سربازان دولتی را کشت. همه این وحشی‌گری‌ها به نام دفاع از محرومان انجام می‌شود ولی همیشه هم نتیجه معکوس داشته است. چریک‌های مارکسیست ۳۵ سال است زیر شعار تحقق بخشیدن به مساوات و اصلاحات ارضی عملاً به نتایجی معکوس دست یافته‌اند، نه تنها خروج آوارگان از سرزمین‌های خود باعث ویرانی مزارع و کشاورزی شده، بلکه این زمین‌ها بعدها به جنگ مالکان ثروتمند افتاده که آن را زیر کشت تریاک برده‌اند. این پدیده تجارت رونق مواد مخدر را در پی داشته که عملاً شکاف میان ثروتمندان و فقیران را عمیق‌تر کرده است.

هجوم سیل آوارگان به شهرها بافت این شهرها را از هم گسیخته و موجب بروز اختلال در دادن خدمات شهری شده است. در سال جاری روزانه ۵۳۳ آواره به «کمربند بینوایی» شهرهای بزرگ پیوسته‌اند. آنها در حالی به جوامع شهری افزوده می‌شوند که هیچ یک از تخصص‌هایی را که برای کار در یک شهر مورد لزوم است ندارند.

در حالی که کلمبیا با یک رشد منفی اقتصادی و بیکاری ۲۰ درصدی در یکی از وخیم‌ترین شرایط اقتصادی به سر می‌برد دولت کلمبیا در جذب این آوارگان به بازار کار با مشکلی حل ناشدنی روبرو است، پاسترانا رییس جمهوری کلمبیا توانسته است تنها ۴۰ میلیون دلار برای حل مشکلات آوارگان اختصاص دهد که بیشترین آن برای تأمین غذا و مسکن آنها هزینه می‌شود، با این حال هیچ یک از شهرداران و فرمانداران حاضر نیستند در این راه پولی خرج کنند. «نیدر مونوار» یک روانشناس کلمبیایی که در زمینه مسئله آوارگان کار می‌کند می‌گوید: «شهرداران هیچ برنامه‌ای برای مقابله با مسئله آوارگان ندارند و تشکیلات غیردولتی نیز پولی برای آن ندارند، بنابراین آوارگان خود را در حداکثر محرومیت و رانده شده از اجتماع احساس می‌کنند.»

**کودکان کلمبیایی
برای گرفتن انتقام
از قتل عام
والدیشان به دست
یک گروه چریکی
به گروه‌های دیگر
می‌پیوندند**

جلب توجه جهانیان به فاجعه آوارگان کلمبیایی کار ساده‌ای نیست. کمیته آمریکایی برای آوارگان که یک گروه غیرانتفاعی در واشنگتن است اخیراً مسئله آوارگان کلمبیایی را بزرگ نمایی کرده است تا توجه جهانیان را به آن جلب کند و

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز کار بر روی مسئله آوارگان در حومه شهرهای کلمبیا را آغاز کرده است. اما سازمان کمتر درگیر این مسئله است دلیل آن هم این است، که آوارگان کلمبیایی از مرزهای بین‌المللی عبور نکرده‌اند، سازمان ملل بیشتر درگیر مسایل مواد مخدر در کلمبیا است تا مسئله آوارگان. در سال جاری دولت کلینتون تصمیم گرفت بودجه‌ای معادل دو میلیون دلار به آوارگان کلمبیا اختصاص دهد (در مقایسه با هزینه ۲۳۸ میلیون دلاری برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر در کلمبیا و اختصاص پانصد میلیون دلار به آلبانیایی تباران کوزوو برای بازگشت به کشورشان رقمی بسیار ناچیز است).

کودکان کلمبیایی آسیب‌پذیرترین قربانیان آوارگی در کلمبیا هستند، شش نفر از هر ده کودک آواره که به پایتخت پناه آورده‌اند اکثراً به دلیل عدم توانایی در پرداخت شهریه از رفتن به مدرسه محرومند. بسیاری از کودکان به کابوس‌های ناشی از آنچه که بر سرشان رفته است گرفتارند، آنها شاهد مثله کردن نزدیکان و دوستان خود به دست چریک‌ها و بمباران دهکده‌هایشان به وسیله هلی‌کوپترهای گروه‌های متخاصم بوده‌اند. خورخه روخاس مدیر یکی از مدارس بوگوتا می‌گوید یک کودک ۱۱ ساله که در مدرسه او درس می‌خواند شاهد قتل پدرش به دست شبه نظامیان بوده که او را دچار نوعی نومیدی توأم با خشم کرده بود و روانشناسان و مددکاران اجتماعی در همه تلاش‌های خود برای تسکین این کودک ناکام مانده‌اند، سرانجام او از مدرسه فرار کرد و به چریک‌های چپ‌گرا پیوست تا انتقام خون پدر خود را از شبه نظامیان دست راستی بگیرد. روخاس ادامه می‌دهد که در حال حاضر همه تلاش اولیاء مدرسه او بر این قرار گرفته که از پیوستن کودکانی که در جنگ یتیم شده‌اند، به گروه‌های متخاصم جلوگیری کنند.

مأخذ مجله نیویورک: ۹ اوت ۱۹۹۹

برگردان از بخش ترجمه «گزارش»

